

Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development

Spring 2022, Vol.3, No.1, pp 101-116

doi [10.22077/vssd.2022.5181.1092](https://doi.org/10.22077/vssd.2022.5181.1092)



Factors Influencing the Mismatch Between Sustainable Development of Rural Areas of Zabol City and the Principles of Spatial Planning

Habibullah Haji Hosseini¹, Gholamreza Miri^{2*}, Mahmoud Reza Anvari³

1. PhD Student, Department of Geography and Urban Planning, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

*Corresponding author, Email: gholam_reza_miri@yahoo.com

Keywords:

Spatial Planning, Sustainable Rural Development, Data-Driven Research, Zabol.

Abstract

Spatial planning creates sustainable and appropriate development through creating harmony and coordination between humans and the environment, hence recognizing ecological potentials and evaluating them. The ultimate goal of all spatial planning is to achieve sustainable development, regional balance, proper distribution of activities, and maximum use of environmental capabilities in the process of regional development. Hence, the purpose of this study is to identify factors influencing the mismatch between the sustainable development of rural areas of Zabol and the principles of spatial planning. In terms of purpose, the present study is a basic research and has a descriptive nature, and in terms of method, it is a qualitative research. The data were gathered via field research (interviews) and library research. The population of the study included experts (district heads, village governors and village managers of Zabol). Within the framework of the final theoretical saturation based on purposive sampling, 15 people were selected as the sample. To analyze the data, grounded theory was used. Based on the results of interviews with experts aimed at identifying the factors influencing the mismatch between the sustainable development of villages in Zabol and the principles of spatial planning based on grounded theory, 37 concepts, 13 semantic units, and 6 categories were extracted. The categories included lack of an integrated and systematic plan, incoherent spatial planning models, qualitative programs and goals, lack of integrated and coherent management, monolithic political structure, and lack of public participation.

Received:

03/Jan/2022

Accepted:

24/Apr/2022

How to cite this article:

Haji Hosseini, H., Miri, Gh., & Anvari, M.R. (2022). Factors Influencing the Mismatch Between Sustainable Development of Rural Areas of Zabol City and the Principles of Spatial Planning. *Village and Space Sustainable Development*, 3(1), 101- 116. [10.22077/vssd.2022.5181.1092](https://doi.org/10.22077/vssd.2022.5181.1092)





فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره سوم، شماره اول، پیاپی نهم، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۱۶ - ۱۰۱

doi: 10.22077/vssd.2022.5181.1092

عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین

حیب اله حاجی حسینی^۱، غلامرضا میری^{۲*}، محمودرضا انوری^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

* نویسنده مسئول، ایمیل: gholam_reza_miri@yahoo.com

چکیده

آمایش سرزمین از طریق تنظیم رابطه انسان با محیط، توسعه در خور و پایداری را ایجاد نموده و با ایجاد هماهنگی بین انسان و محیط به شناخت توان‌های اکولوژیکی و ارزیابی آن نیز می‌پردازد. هدف نهایی تمام برنامه‌ریزی‌ها در قالب آمایش سرزمین نیل به توسعه پایدار، تعادل و توازن منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق است. در این راستا هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر در عدم پیروی توسعه روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین بوده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی و دارای ماهیتی توصیفی، همچنین از نظر روش، در گروه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. ابزار گردآوری اطلاعات (کتابخانه‌ای و میدانی) (مصاحبه) است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل خبرگان (بخشداران، دهیاران و مدیران روستاهای شهرستان زابل) بوده که در چارچوب اشباع نظری نهایی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۵ نفر به عنوان حجم نمونه، انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش داده بنیاد استفاده شده است. از نتایج مصاحبه با افراد متخصص و کارشناس جهت شناخت مجموعه عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، ۳۷ مفهوم و ۱۳ واحد معنایی و ۶ مقوله (فقدان طرح یکپارچه و نظام‌مند، مدل‌های نامنسجم آمایش سرزمین، برنامه‌ها و اهداف تدوین شده به صورت کیفی، عدم مدیریت یکپارچه و منسجم، ساختار تک ساخت سیاسی، عدم مشارکت مردم)، استخراج شد.

واژگان کلیدی:

آمایش سرزمین، توسعه پایدار روستایی، داده بنیاد، شهرستان زابل.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۲/۰۴

۱- مقدمه

طی دهه‌های اخیر بروز نابرابری و عدم توجه به روستاها در درون نواحی، موجب ضعف و تسریع روند نابودی این کانون‌های سکونتگاهی و بالطبع ایجاد عدم تعادل فضایی درون ناحیه و یک سویه شدن جریان خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون‌های شهری گردیده است (تیموری و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۴). بدین ترتیب سکونتگاه‌های روستایی با دامنه‌ی حداکثری از فقر، نابرابری و عقب ماندگی مضاعف در قیاس با دیگر مراکز جمعیتی کشور نیازمند برنامه‌ریزی و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب جهت گسستن زنجیره فقر، بی عدالتی فضایی و بهبود رفاه اجتماعی هستند (شکور و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۶۴). توسعه و توسعه پایدار روستایی از محورهای مورد توجه امروز جوامع در حال توسعه است و دنبال کردن رهیافت‌هایی جهت بهبود وضعیت مردم روستایی از اهداف آن است. این مساله در جواب ناکامی‌هایی مطرح شده بوده است که به خاطر توجه صرف برخی از کشورها به مبحث رشد به جای توسعه بوده است که سبب گردیده در توزیع منافع توسعه و ترقی بین مردم سرزمین خود، دچار مشکل شوند (مهدوی و عزمی، ۱۳۸۸: ۲۵). در این میان یکی از مهمترین ابزارهای و عوامل دستیابی توسعه پایدار برنامه‌ریزی کاربری زمین (آمایش سرزمین) می‌باشد (Zabihi et al, 2015: 116)، امروزه آمایش سرزمین، به یک راهکار جغرافیایی بی بدیل برای توسعه پایدار در کشورها تبدیل شده است. لزوم توجه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی یک مکان مانند ناحیه، استان و یا کشور در جهت توسعه‌ی منطقی آن مکان بیانگر مفهوم واقعی آمایش است (جعفریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸). آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی از توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی می‌باشد (سرور، ۱۳۹۴: ۲۳)، که بر اساس تدوین اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های توسعه بلند مدت در قالب تلفیق برنامه‌ریزی‌هایی از بالا و پایین و با تکیه بر قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های منطقه‌ای در یک برنامه‌ریزی هماهنگ و بلند مدت صورت می‌گیرد (یزدان‌پناه درو، ۱۳۹۷: ۲۴). زیربنایی آمایش سرزمین، بر روی برنامه‌ریزی بنا نهاده شده است و آرایش نظام‌های برنامه‌ریزی یک کشور، نظام برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین آن محسوب می‌شود (وحیدی برجی، ۱۳۹۰: ۲۳). آمایش سرزمین، یک امر علمی با رویکردی فضایی و منطقه‌ای در شناخت توانمندی‌های توسعه با توجه به قابلیت‌های مکانی می‌باشد. توسعه نیز در عصر پسامدرن مبنای چند بعدی یافته و از حالت تک‌نگری و بخشی بودن گذار نموده است. تعامل آمایش سرزمین و توسعه فضایی هدفی چون عدالت جغرافیایی را دنبال می‌نماید که از طریق ایجاد رفاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراهم می‌آید (پوراصغر و ویسی، ۱۳۹۰: ۱۸۴). با توجه به وجود رابطه دو سویه میان آمایش سرزمین و مناطق روستایی، در صورتی که آمایش سرزمین معادل (سازماندهی فضا و تنظیم رابطه جمعیت، فضا و فعالیت) توصیف می‌شود، توزیع بهینه و استقرار مناسب فعالیت‌های روستایی در سطوح مختلف آن با تکیه بر امکانات بالقوه و بالفعل محیط جغرافیایی، می‌تواند به عنوان یکی از طرق دستیابی به توسعه پایدار مطرح گردد (طالشی و امیرفخریان، ۱۳۹۱: ۱۱۵). سیاست‌های رشد و توسعه مناطق روستایی بر پایه آمایش سرزمین به بیانی لحاظ نمودن ویژگی‌های توسعه پایدار در سیاستگذاری این مناطق خواهد بود و سیاست برنامه‌ریزان در مناطق روستایی باید در جهتی باشد که توسعه پایدار روستایی اساس فعالیت‌ها باشد (Heldak, 2010: 129)

در کشور ما به دلیل وجود نابرابری‌های کمی و کیفی میان عرصه‌های شهری و روستایی و تشدید آنها طی روندهای دگرگونی ساز دهه‌های اخیر، ضرورت جستجوی راه‌های خروج از معضل و تعدیل نابرابری‌ها به ویژه در فضاهای روستایی مطرح است. توجه به بینش فضایی در برنامه‌ریزی و نیز توجه به اندازه و اصلاح نحوه استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی، نقش و عملکرد هریک از روستاهای کوچک و بزرگ در مجموعه سکونتگاهی سرزمین و ارتباط آن با چگونگی پراکنش امکانات و تسهیلات از یک سو و مسئولیت‌ها از سوی دیگر به عنوان راه‌حلی عملی از جانب بسیاری از کارشناسان و متخصصان مورد تأکید

است (وحیدی، ۱۳۸۷: ۱).

استان سیستان و بلوچستان با برخورداری از موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیکی در شرق کشور، همواره و از دیرباز بستر و گذرگاهی مناسب برای عبور کالا و پیوندهای منطقه‌ای و جهانی بوده است (سند آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۸). اما همواره در طرح‌های بالادستی آمایشی این منطقه مورد بی‌مهری قرار گرفته است. در این میان شهرستان مرزی (زابل) در شمال استان سیستان و بلوچستان دقیقاً از این شرایط رنج می‌برد. مناطق روستایی این شهرستان با وجود استعدادها و ظرفیت‌های پرشمار در زمینه ترانزیت، حمل و نقل زمینی، تولید انرژی‌های نو، گردشگری تاریخی، به دلیل وجود شرایط اقلیمی و آب و هوایی نامساعد و ناسازگار، خشکسالی‌های بلند مدت چند دهه گذشته، کم‌آبی مزمن، مخاطرات طبیعی (طوفان‌های شن و ماسه)، از یک سو و دورافتادگی از مدار توسعه ملی، نارسا بودن خدمات اجتماعی و زیرساخت‌ها و ناکارآمدی سرمایه انسانی و مالی از سوی دیگر، دستخوش معضلات و مصائب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرشماری همانند فقر، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، متروک شدن سکونتگاه‌ها، قاچاق و تجارت مواد مخدر و... شده است. با توجه به این مطالب باید گفت اهمیت آمایش سرزمین و نقش آن در توسعه پایدار در روستاهای شهرستان زابل امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

از این رو تحقیق حاضر به طور مشخص برای پاسخ به این سوال ذیل انجام شده است که، عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین چه می‌باشد؟ روستاهای منطقه سیستان و بالاخص شهرستان زابل در طول دهه‌های گذشته همواره مورد بی‌مهری در همه سطوح برنامه‌ریزی قرار گرفته و همین عدم توجه باعث شده تا امر توسعه منطقه به کندی و حتی متوقف شود و این امر باعث کاهش جمعیت و جمعیت‌گریزی این منطقه استراتژیک شده است. همچنین تاکنون پژوهشی در رابطه با عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین انجام نشده، لذا ضرورت و اهمیت انجام تحقیق حاضر بیش از پیش احساس می‌شود.

۲- بنیان نظریه‌ای

آمایش سرزمین

آمایش سرزمین بحث جدیدی در ادبیات توسعه است (ملک‌زاده و گلچویی دیوا، ۱۳۹۷: ۱). آمایش سرزمین اصطلاحی است که امروزه برای مدیریت سرزمین در ابعاد مختلف استفاده می‌شود (Porta et al, 2013: 45-58). آمایش استفاده‌ی بهینه و عقلانی و پی‌بردن به "ارزش‌های فضا" به منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است (پورا احمد، ۱۳۸۰: ۴۸۰). آمایش سرزمین عبارت است از برنامه‌ریزی و سازمان دادن نحوه‌ی اشغال فضا و تعیین محل سکونت انسان‌ها و محل فعالیت‌ها و تجهیزات و همچنین کنش‌های بین عوامل گوناگون نظام اجتماعی - اقتصادی (شریف‌زادگان و رضوی دهکردی، ۱۳۸۹: ۸۸)، به عبارت دقیق‌تر طبقه‌بندی فعالیت‌ها انسان در یک نگاه کلی مشتمل بر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی است. بطور طبیعی فعالیت‌های گوناگون و پیچیده‌ی انسان در فضای جغرافیایی نیازمند بسترسازی شایسته به منظور حداکثر بهره‌وری است. بر این اساس آمایش سرزمین، رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان را تنظیم می‌کند (زرقانی و اعظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

توسعه و توسعه پایدار

توسعه یا گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر، عبارت است از تغییر، تحول و پیشرفت توسعه و مفاهیم مرتبط با آن، در نیم قرن اخیر، چالش‌های بی‌شماری را در حوزه مطالعات اقتصادی برانگیخته است، اما نظریه‌پردازان، درباره‌ی حوزه مطالعاتی آن اتفاق نظر ندارند و تعریف آن به شدت از عقاید، ایدئولوژی و زمان

تأثیر می‌پذیرد. در گذشته، تنها به رشد اقتصادی جامعه توجه می‌شد، اما نگرش تک بعدی به توسعه، علی‌رغم رشد اقتصادی بالا، شکاف‌های اساسی در جوامع بشری به وجود آورده بود. بدین ترتیب در مفهوم توسعه تجدیدنظر شد و توسعه با مفهوم چندبعدی مدنظر قرار گرفت. در این نگرش، حمایت‌های محیطی، با معیارهایی مانند امنیت ملی، کامیابی اقتصادی و عدالت اجتماعی و مکانی مدنظر قرار گرفت و هدف آن، رفاه اجتماعی و زندگی شرافتمندانه همراه با آزادی و تصمیم‌گیری برای آینده محیط زندگی بود. همچنین توسعه، علاوه بر ازدیاد ثروت جامعه، تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز به همراه دارد (از کیا، ۱۳۷۸: ۶). واژه توسعه پایدار را اولین بار به طور رسمی برانت لند در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک» مطرح کرد (زیاری، ۱۳۹۰: ۲۰). با بروز ضایعات زیست محیطی و کاهش سطح عمومی زندگی مردم، سازمان ملل رویکرد فوق را به عنوان موضوع روز دهه آخر قرن بیستم مطرح کرد. توسعه پایدار یعنی راه‌حلی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه. بدین ترتیب، توسعه پایدار از بروز مسائلی مانند نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌ها در زمان حال و آینده جلوگیری می‌کند. همچنین توسعه پایدار، برآیند نگرش‌های مختلف توسعه است. از این مفهوم نیز مانند مفهوم توسعه، برداشت‌های گوناگون شده است. نکته مشترک، تمامی این نگرش‌ها، پایداری متعادل و رسیدن به فرآیندی از توسعه است که پایا و بادوام باشد. تعریف عمومی از توسعه پایدار عبارت است از برآورده کردن نیازهای نسل امروز بدون اینکه توانایی نسل آینده در برآورده کردن نیازهایش تهدید شود (Isaksson, 2006: 64). در واقع، هر تحولی، زمانی پایدار است که محافظ محیط و مولد فرصت‌ها باشد. این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی، اقتصاد و امنیت اجتماعی است. پیشرفت‌های اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان درازمدت حفظ پایه‌های طبیعی زندگی باشند (Thinh et al, 2002: 481).

اصول آمایش سرزمین و تحقق توسعه پایدار روستایی

آمایش سرزمین به عنوان رویکردی نهادینه شده بخشی از جغرافیای مدنیت ایران زمین و ایرانیان در همه ادوار تاریخی بوده است به نحوی که می‌توان کمتر حوزه تمدنی در دنیای قدیم را یافت که تا این حد در رویکردی تلفیقی موضوع صیانت را با توسعه به عنوان اساس و جوهره مدیریت توسعه پایدار فضایی در فرآیند آمایش سرزمین رعایت کرده و به اصول آن رسیده باشد، توسعه روستایی بهترین و کدام‌ترین مدیریت آمایش سرزمین محسوب می‌شود که متناسب با ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و مقتضیات مکانی و زمانی توان‌ت به تلفیق زیبایی از توازن انسان و محیط دست یابد که در جای‌جای کشور می‌توان به الگوهای متنوعی از سکونت و فعالیت در راستای اصول نهادینه شده آن شناسایی نمود (توکلی، ۱۳۹۳: ۱). نقش آمایش سرزمین به عنوان زیربنای امر سازماندهی توسعه روستایی و منطقه‌ای متجلی می‌گردد. به بیان دیگر، آمایش سرزمین ابزار اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و ملی در توسعه مناطق روستایی بر اساس برنامه‌ریزی‌های فیزیکی و فضایی می‌باشد. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین روند جامعی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای را ارائه می‌کند. این شکل از برنامه‌ریزی برای به کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح یک کشور، بهترین مکمل برای برنامه‌ریزی کلان و بخشی است. یکی از مهمترین ویژگی‌های آمایش سرزمین جامع‌نگری، دوراندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و سازماندهی فضای روستایی است (میرزایی و کمری، ۱۳۹۰: ۸۳).

در زمینه آمایش سرزمین و رابطه آن با توسعه پایدار روستایی مطالعاتی صورت گرفته است که در ذیل به تعدادی از آنها که در راستای موضوع پژوهش می‌باشند، اشاره خواهد شد. آقامحمدی و مرادی (۱۳۹۷)، در پژوهشی به شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت آینده آمایش سرزمین استان تهران با رویکرد آینده پژوهی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد آمایش سرزمین روشی است که در برخورد

با عدم تعادل در محیط طبیعی انعطاف‌پذیری خوبی دارد. آمایش سرزمین می‌تواند با بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود در راستای بهبود وضعیت مادی و معنوی و در قلمرو جغرافیایی خاص در راستای توسعه منطقه‌ای عمل نماید. شیرانی سرمازه (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تاثیر رویکرد آمایش سرزمین بر توسعه پایدار پرداخته‌اند. نتایج نشان داد. آمایش نقش عمده‌ای در تعیین نوع استفاده از منابع طبیعی سرزمین در آینده داشته و به عنوان یک فرایند کلی نگر همه جنبه‌های یک سرزمین را در نظر می‌گیرد و پلی ارتباطی بین جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سنتی و فرهنگی ایجاد می‌نماید. از طرفی توسعه پایدار نیز راه حل‌هایی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ارایه می‌دهد تا بتواند از بروز مسایلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی و... جلوگیری نماید. تیموری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس توان انسانی از دیدگاه آمایش سرزمین (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز). پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بیشتر روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز، در خوشه ۳ قرار گرفته و همچنین از نظر سطح توسعه‌یافتگی نیز ۷۲/۵۴ درصد توسعه نیافته، ۲۴/۵۲ درصد در حال توسعه و ۲/۹۴ درصد توسعه یافته می‌باشند. مومنی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به تحلیل آمایش سرزمین و مدیریت توسعه فضایی در شهرستان ملکان، پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه اصلی در تحلیل‌های واقع‌بینانه آمایش را باید در ساختارهای جغرافیایی جستجو کرد، در واقع سیمای آمایشی کشور به ویژه در سطوح ناحیه‌ای در درجه اول تابعی از مؤلفه‌های طبیعی و در مرحله بعد تابع نظام تخصیص و تصمیم‌گیری می‌باشد، در پهنه مورد مطالعه عوامل طبیعی در استقرار فضایی سکونتگاه‌ها در اولویت اول اهمیت قرار دارند و تحت تأثیر نظام تخصیص، توزیع خدمات و کارکردها در بین دهستان‌های شهرستان یکسان نیست. میری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی توسعه آمایشی و اثرات زیستی بر توسعه روستای تمین در شهرستان میرجاوه پرداخته‌اند. این پژوهش به بررسی دیدگاه توسعه آمایشی روستایی می‌پردازد و چگونگی اثرات زیستی بر توسعه منطقه‌ای با تاکید بر روستای تمین را بررسی می‌کند. جانگپیو و سانگ (۲۰۲۰)، در پژوهشی به برنامه‌ریزی آمایش صنعتی و رشد صنعت دانش در سئول پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که صنایع خدمات دانش محور تمایل دارند مراکز سنتی را در مرکز شهر سئول و مراکز جدید اطراف سئول مستقر کنند. در حالی که رشد سکونت کارگران این مراکز در مراکز سنتی را کد بوده، اما در مراکز جدید اطراف شهر بسیار بیشتر می‌باشد. با توجه به عواملی که در رشد اشتغال صنایع خدمات دانش محور تأثیر می‌گذارد، عوامل مرتبط با برنامه‌ریزی کاربری اراضی بر رشد فعالیت‌های این صنایع تأثیر معنی داری داشته‌اند. یو و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که همراه با توسعه شتابان شهرنشینی و توسعه صنعتی در چین قریب به اتفاق فضاهاى روستایی به ویژه مناطق توسعه یافته روستایی از حیث کارکردها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با تنگناهای جدیدی مواجه شده‌اند و راه برون رفت از این تنگنا را ارتقای تعامل مثبت بین مناطق شهری و روستایی به عنوان یک چشم‌انداز در بررسی توزیع و پراکنش فضایی جمعیت روستایی بر اساس مدیریت برنامه‌ریزی هماهنگ و یکپارچه شهری و روستایی در منطقه مورد تحقیق دانسته‌اند

اکثر تحقیقات انجام شده که در مبانی نظری و پیشینه تحقیق که به مواردی از آنها اشاره شده است، در حوزه آمایش و رابطه آن با توسعه روستایی بوده است و به صورت کلی و کمی و با استفاده از تحقیقات پیشین، این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در پژوهش حاضر با استفاده از تئوری زمینه‌ای و استفاده از نظرات خبرگان، مجموعه عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای از اصول آمایش سرزمین بررسی می‌شود.

۳- روش، تکنیک ها و قلمرو

رویکرد حاکم بر فضای تحقیق کیفی و نوع تحقیق کاربردی است و بر حسب نحوه اجرا از نوع پیمایشی (مصاحبه) می‌باشد. در تحقیق حاضر متناسب با هدف و سوال پژوهش جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت انجام شده است: الف) مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای: (در این روش برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه به کتابخانه‌ها، سازمانها، اداره‌ها و ارگانها) استفاده شد. ب) تحقیقات میدانی: (مصاحبه). روش اصلی در تحقیقات کیفی مصاحبه می‌باشد.

محدوده جغرافیایی این تحقیق ۷۸ روستای شهرستان زابل است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل خبرگان (بخشداران، دهیاران و مدیران روستاهای شهرستان زابل) می‌باشند که در چارچوب اشباع نظری نهایی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۵ نفر به عنوان حجم نمونه، انتخاب شدند. اشباع نظری به این صورت خواهد بود که محقق با ظهور اکتشاف اولیه سعی خواهد کرد که اطلاعات بیشتری را در ادامه گردآوری کند تا ارتباط مقوله‌های اصلی با مقوله‌های دیگر وضوح و معنای بیشتری پیدا کند. این کار تا زمانی ادامه خواهد کرد که محقق احساس کند که صاحب نظران دیگر اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌دهند.

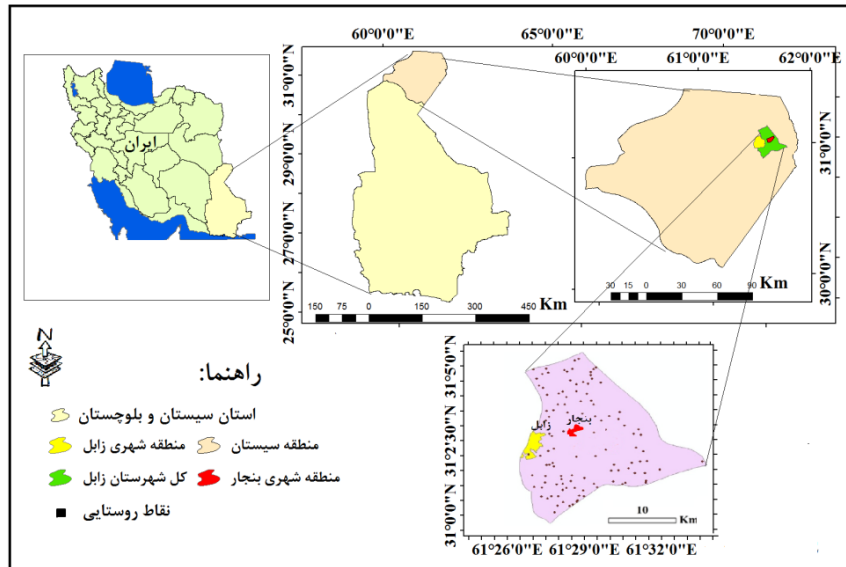
برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش گراند تئوری (نظریه داده بنیاد)، استفاده شده است. گراند تئوری یا نظریه داده بنیاد یک روش تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. این روش زمانی استفاده می‌شود که ادبیات پژوهش پیرامون موضوع از غنای لازم برخوردار نباشد. همچنین هدف ارائه یک نظریه جدید است که تاکنون در جوامع پژوهشی مطرح نشده است. استراتژی نظریه داده بنیاد زمینه بنیان از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این استراتژی حرکت از جزء به کل است. این روش یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده مورد نظر ایجاد کند. یافته‌های تحقیق دربرگیرنده تنظیم نظری واقعیت تحت بررسی است نه یک سلسله ارقام یا مجموعه‌ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند. هدف نظریه‌پردازی زمینه بنیان ساختن و پرداختن نظریه‌ای است که در زمینه مورد مطالعه صادق و روشنگر باشد. این استراتژی پژوهش بر سه عنصر: مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها استوار است. نظریه‌پردازی داده‌بنیان مبتنی بر ۳ نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی است (فتحی نجفی و لطیف نژادرودرسی، ۱۳۹۵: ۲۲۳).

شهرستان زابل با مساحت ۳۴۴ کیلومترمربع در ضلع شمال شرقی استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته و از شمال به شهرستان نیمروز، از شرق به شهرستان هیرمند و از جنوب به شهرستان های هامون و زهک و از غرب به شهرستان هامون محدود می‌شود. شهرستان زابل دارای دو شهر (زابل و بنجار) و دو بخش مرکزی، بعنوان مرکز سیستان ۱۷۱۹۴۰ نفر جمعیت دارد که از این تعداد ۱۳۷۷۲۲ نفر آن در شهر زابل، ۴۰۸۸ نفر آن در شهر بنجار و ۳۰۱۳۰ نفر آن در ۷۸ آبادی بزرگ و کوچک استقرار دارند (سالنامه آماری استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۸)

۴- یافته ها و تحلیل داده

مطالعه زمینه‌ای عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار از اصول آمایش سرزمین در روستاهای شهرستان زابل

در این پژوهش در مجموع ۱۵ مصاحبه عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها (بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه) ضبط و یادداشت شد تا با مرور چند باره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های خبرگان انجام شود.



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه، ترسیم: نگارنده گان، ۱۴۰۰

مرور بازنگری

در این مرحله که در حکم مقدمه‌ای برای ورود به عملیات تحلیل محسوب می‌گردد، برای جلوگیری از داوری شخصی در هنگام ترتیب داده‌ها، مصاحبه‌های ضبط شده، یادداشت‌های شخصی که در طی تحقیق توسط پژوهشگر انجام می‌شد، جمع‌آوری و مورد بازنگری و اصلاح قرار داده شد. این کار به عدم دخالت عقاید و ارزش‌های پژوهشگر در امر تحلیل کمک می‌کند.

گام اول: استخراج داده‌های معنایی (کدگذاری باز)

در این مرحله به طور کلی حدود ۳۷ مفهوم از متون مصاحبه استخراج گردید.

کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

در جدول (۱)، نتایج کدگذاری باز بر اساس کد ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارایه شده است.

جدول ۱. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	کد	مفاهیم (کدگذاری باز)	ردیف	کد	مفاهیم (کدگذاری باز)
۱	X1	کیفی بودن اهداف و استراتژی‌ها و برنامه‌های تدوین شده به صورت کیفی	۲۰	X20	نبود سیستم ارزیابی عملکرد کمی
۲	X2	نداشتن شاخص‌سازی و کمی‌سازی در اهداف و برنامه‌ها	۲۱	X21	نبود گزارش کمی از میزان پیشرفت اهداف و برنامه‌های آمایش
۳	X3	نبود آمار کافی در غالب طرح‌های آمایش و توسعه	۲۲	X22	رویکرد سیاسی و رویه سلیقه‌ای حاکم بر مدیریت روستایی
۴	X4	نبود شاخص‌های متناسب و معیارهای کمی	۲۳	X23	حذف اندیشه‌های مسلط بر مدیریت روستایی در یک دوره
۵	X5	حرکت‌های جزیره‌ای بین دستگاهها و متولیان امور توسعه	۲۴	X24	تضعیف فرهنگ توسعه پایدار با تاکید بر اصول آمایش در سطح عموم مردم
۶	X6	عدم هماهنگی سازمانها و نهادها	۲۵	X25	نبود مطالبه عمومی و برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت مردم
۷	X7	نبود رویکرد واحد بین مدیران روستا و همبستگی بین سازمانها و نهادهای متولی	۲۶	X26	عدم حضور ذینفعان و ذینفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش آمایش سرزمین
۸	X8	نبود انسجام سازمانی	۲۷	X27	فقدان عدم توجه به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی
۹	X9	سستی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی	۲۸	X28	محدودیت مشارکت مردم در تنظیم سیاستها و برنامه‌ها
۱۰	X10	باور ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار	۲۹	X29	ضعف بنیادهای مشارکتی و نهادهای مدنی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی
۱۱	X11	نبود ائتلاف بین متخصصان حوزه‌های علمی مختلف در ارائه تعریفی میان رشته‌ای از آمایش سرزمین	۳۰	X30	نبود نهادهای قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت اصول آمایش
۱۲	X12	ترویج دیدگاه‌های سیاسی امنیت محور	۳۱	X31	فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت

ردیف	کد	مفاهیم (کدگذاری باز)	ردیف	کد	مفاهیم (کدگذاری باز)
۱۳	X13	ترویج دیدگاه‌های سیاسی تمرکزگرا	۳۲	X32	نبود جریان فکری فکری صحیح و مراکز تحقیقاتی مناسب
۱۴	X14	ترویج دیدگاه‌های سیاسی پایتخت محور و قطب گرا	۳۳	X33	ناآگاهی مجریان از اصول و فنون آمایش سرزمین
۱۵	X15	بی توجهی به همه ابعاد آمایش سرزمین	۳۴	X34	نبود رشته آمایش سرزمین در دانشگاه‌ها
۱۶	X16	توجه بیش از حد به اقتصاد	۳۵	X35	نبود حمایت و پشتیبانی و تدارکات و فراهم کردن زیرساخت‌های تشکیلاتی و مدیریت صحیح و تامین منابع لازم
۱۷	X17	فشارهای سیاسی مقامات برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها فاقد توجه اقتصادی و فنی و آمایشی	۳۶	X36	نبود مدل مناسب توسعه پایدار با تاکید بر آمایش در سیستان
۱۸	X18	فقدان طرح مصوب آمایش سرزمین به منزله سندی فرادست	۳۷	X37	مشخص نبودن راهبردهای کلی توسعه روستایی
۱۹	X19	نبود برنامه‌ریزی صحیح متناسب با قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و محدودیت‌ها			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جدول ۲. واحدهای معنایی استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	واحد معنایی	شاهد مثال	ردیف	واحد معنایی	شاهد مثال
۱	عدم کمی سازی و شاخص‌های مضاعف	اهداف و استراتژی‌ها و برنامه‌های تدوین شده به صورت کیفی نداشتن شاخص‌سازی و کمی‌سازی در اهداف و برنامه‌ها	۸	فقدان سیستم ارزیابی کمی عملکرد و اقدامات	نبود سیستم ارزیابی عملکرد کمی نبود گزارش کمی از میزان پیشرفت اهداف و برنامه‌های آمایش
۲	فقدان آمار و اطلاعات	نبود آمار کافی در غالب طرح‌های آمایش و توسعه نبود شاخص‌های متناسب و معیار‌های کمی	۹	عدم استفاده از تجربه مدیران گذشته در اجرای اصول آمایش روستایی در یک دوره	رویکرد سیاسی و رویه سلیقه‌ای حاکم بر مدیریت روستایی حذف اندیشه‌های مسلط بر مدیریت روستایی در یک دوره
۳	عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها و متولیان امور توسعه در بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی	عدم هماهنگی سازمانها و نهادها نبود رویکرد واحد بین مدیران و همبستگی بین سازمان‌ها و نهادهای متولی نبود انسجام سازمانی	۱۰	فقدان برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت‌های مردمی در راستای اعمال اصول آمایش سرزمین توسعه پایدار	تضعیف فرهنگ توسعه پایدار با تاکید بر اصول آمایش در سطح عموم مردم نبود مطالبه عمومی و برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت مردم عدم حضور ذینفعان و ذینفوذان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش آمایش سرزمین فقدان عدم توجه به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی محدودیت مشارکت مردم در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ها
۴	فقدان تعریف مشخص از رویکرد آمایشی	سنتی بودن نظام برنامه‌ریزی در پذیرش رویکرد آمایشی بارو ضعیف متولیان امر به اثربخشی رویکرد آمایشی در تحقق توسعه یکپارچه و پایدار نبود ائتلاف بین متخصصان حوزه‌های علمی مختلف در ارائه تعریفی میان رشته‌ای از آمایش سرزمین ترویج دیدگاه‌های سیاسی امنیت محور	۱۱	نبود مقررات لازم در اجرای اصول آمایش	نبود نهادهای قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت اصول آمایش فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت نبود جریان فکری فکری صحیح و مراکز تحقیقاتی مناسب ناآگاهی مجریان از اصول و فنون آمایش سرزمین نبود رشته آمایش سرزمین در دانشگاه‌ها
۵	ترویج دیدگاه‌های سیاسی	ترویج دیدگاه‌های سیاسی تمرکزگرا ترویج دیدگاه‌های سیاسی پایتخت محور و قطب گرا	۱۲	نبود روند زنجیره‌ای در طرح‌ها	نبود رشته آمایش سرزمین در دانشگاه‌ها
۶	بی توجهی به همه ابعاد آمایش سرزمین به یک اندازه	بی توجهی به همه ابعاد آمایش سرزمین توجه بیش از حد به اقتصاد			نبود حمایت و پشتیبانی و تدارکات و فراهم کردن زیرساخت‌های تشکیلاتی و مدیریت صحیح و تامین منابع لازم

ردیف	واحد معنایی	شاهد مثال	ردیف	واحد معنایی	شاهد مثال
		فشارهای سیاسی مقامات برای اجرای طرحها و پروژهها فاقد توجیه اقتصادی و فنی و آمایشی		فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در روستاها	نبود مدل مناسب توسعه پایدار با تاکید بر آمایش در سیستان
۷	فشارهای سیاسی برای اجرای طرحها و پروژههای فاقد توجیه اقتصادی و فنی	فقدان طرح مصوب آمایش سرزمین به منزله سندی فرادست	۱۳	فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در روستاها	مشخص نبودن راهبردهای کلی توسعه روستایی نبود برنامه‌ریزی صحیح متناسب با قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و محدودیت‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

گام دوم: استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی (کدگذاری محوری)

در این مرحله ۶ مضمون یا مقوله استخراج و مفاهیم برساننده هر یک از این مضمون‌ها مشخص شدند. (جدول ۳).

جدول ۳. مقوله‌ها و مضامین اصلی

ردیف	مقوله	واحد معنایی
۱	فقدان طرح یکپارچه و نظام‌مند	فقدان آمار و اطلاعات نبود مقررات لازم در اجرای اصول آمایش فقدان تعریف مشخص از رویکرد آمایشی بی توجهی به همه ابعاد آمایش سرزمین به یک اندازه نبود روند زنجیره‌ای در طرحها
۲	مدل‌های نامنسجم آمایش سرزمین	فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در روستاها
۳	برنامه‌ها و اهداف تدوین شده به صورت کیفی	عدم کمی سازی و شاخص‌های مضاعف فقدان سیستم ارزیابی کمی عملکرد و اقدامات
۴	عدم مدیریت یکپارچه و منسجم	عدم هماهنگی بین دستگاهها و متولیان امور توسعه در بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی
۵	ساختار تک ساخت سیاسی	عدم استفاده از تجربه مدیران گذشته در اجرای اصول آمایش فشارهای سیاسی برای اجرای طرحها و پروژههای فاقد توجیه اقتصادی و فنی
۶	عدم مشارکت مردم	ترویج دیدگاه‌های سیاسی فقدان برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت‌های مردمی در راستای اعمال اصول آمایش سرزمین در توسعه پایدار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

گام سوم: مرحله نظریه‌پردازی (کدگذاری انتخابی)

در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد (شکل ۲). پژوهشگر برای نوشتن بخش تفسیری مطالعه و ربط دادن مفاهیم با یکدیگر از چند شیوه می‌تواند استفاده کند که یک شیوه استفاده از الگوی سؤال‌هاست که طی مصاحبه‌ها تهیه شده و نشان‌دهنده ایده پژوهشگر است. پژوهشگر نیز برای نوشتن بخش تفسیری و ربط دادن مفاهیم با یکدیگر از شیوه داستان‌گویی بر اساس ارجاع مصاحبه‌ها و آنچه در مقولات به دست آمده است بهره برده است که مهمترین آنها مورد بحث قرار گرفته است.

۱- فقدان طرح یکپارچه و نظام‌مند

با بررسی تاریخچه کلی آمایش سرزمین در ایران چنین استنباط می‌شود که روند و سیر منطقی،

زنجیره‌ای، یکپارچه و جامع در این طرح‌ها دیده نمی‌شود؛ هر دولتی که روی کار آمده است چندین برنامه را تدوین کرده است که به علت نبود حمایت و پشتیبانی و تدارکات و فراهم کردن زیرساخت‌های تشکیلاتی و مدیریت صحیح و تامین منابع لازم، به موفقیت کمتری دست یافته است. در این راستا چند تن از متخصصان این گونه اذعان کرده‌اند:

"...به علت نبود جریان فکری صحیح و مراکز تحقیقاتی مناسب، ناآگاهی مجریان در شهرستان زابل از اصول و فنون آمایش سرزمین، نبود رشته آمایش سرزمین در دانشگاه و آگاه نبود نمایندگان مجلس از اهمیت و فنون آمایش سرزمین، از آمایش سرزمین در شهرستان استقبال چندانی نشده است و اغلب طرح‌ها و برنامه‌های در مرحله مصوبه و نظری مانده‌اند و به اجرا در نیامده‌اند..."

در ادامه نیز متخصصان دیگر مطرح کردند:

"...بررسی‌ها نشان داده که در اجرای برنامه‌های عمرانی که با رویکر توسعه پایدار به صورت عام و آمایش سرزمین به صورت خاص، به رغم کسب نتایج اقتصادی محدود در چند بخش، پیشبرد اهداف توسعه همچنان با مشکلاتی روبرو بوده که بخشی از آن ناشی از برنامه‌های توسعه با نگرش اقتصادی و بی‌توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای است..."

"...یکی از جدی‌ترین چالش‌های انجام هر گونه اجرای اصول آمایش سرزمین در توسعه روستاهای زابل، ضعف اساسی در بخش آمار است، که متأسفانه غالب طرح‌ها و برنامه‌ها را به سمت مطالعات کیفی هدایت می‌کند، که تدوین درست استراتژی‌ها، اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای روستاها، مستلزم دسترسی به آمار و داده‌های قابل استناد و اعتماد مرتبط با هر حوزه است..."

در ادامه نیز متخصصان دیگر اشاره کردند:

"...فقدان قواعد و مقررات مناسب و تفکر نظامند و نهادینه برای مدیریت و نبود نهادهای قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت اصول آمایش از دیگر معضلات مرتبط با پیروی نکردن توسعه پایدار روستایی از اصول آمایش سرزمین است..."

۲- مدل‌های نامنسجم آمایش سرزمین

بررسی اسناد و مدارک مرتبط با آمایش سرزمین در دهه‌های گذشته حاکی از این است که هنوز مدل مناسبی برای آمایش سرزمین در کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر، هنوز مفروضات مناسبی برای مکان‌یابی فعالیت‌های توسعه‌ای تدوین نشده است. در این راستا چند تن از متخصصان این گونه مطرح نمودند:

"...آمایش سرزمین ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و محیطی و ... را در بر می‌گیرد و داشتن الگو یا مدل مناسب به ارزیابی بهتر قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های روستاهای زابل کمک می‌کند..."

"...یکی از چالش‌های اساسی عدم پیروی کردن توسعه پایدار روستاهای زابل از اصول آمایش سرزمین، مشخص نبودن راهبرد کلی توسعه است، اگر راهبرد کلی مشخص شود، می‌توان بر اساس آن و با رجوع به روستاها، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و محدودیت‌های هر منطقه را مشخص و با در نظر گرفتن آنها برای رسیدن به راهبرد مدنظر برنامه‌ریزی کرد..."

۳- برنامه‌ها و اهداف تدوین شده به صورت کیفی

یکی از موانع موثر در پیروی توسعه پایدار روستاهای زابل از اصول آمایش سرزمین، عدم کمی‌سازی و شاخص‌سازی مضاعف و فقدان سیستم ارزیابی کمی عملکرد و اقدامات است. در این راستا چند تن از متخصصان مطرح کردند:

"... مفاهیم استراتژی‌ها، اهداف و برنامه‌های تدوین شده در طرح‌های استان سیستان و بلوچستان کاملاً کیفی بوده و هیچ گونه شاخص‌سازی و کمی‌سازی در اهداف و برنامه‌ها وجود ندارد و معیارها کاملاً

کیفی هستند...."

"... در کشور ما به طور عام و روستاهای سیستان به طور خاص، کمتر دیده شده که سیستم‌های ارزیابی عملکرد کمی وجود داشته باشد و از میزان پیشرفت اهداف و برنامه‌های طراحی شده به صورت کمی گزارش دهی شود..."

در ادامه نیز متخصصان دیگر مطرح نمودند:

"... تدوین شاخص‌ها و معیارهای کمی در اهداف و برنامه‌های توسعه پایدار روستاهای سیستان، سیستم ارزیابی عملکرد کمی را نیز به همراه خواهد داشت و هر لحظه امکان رصد سازمان‌ها، نهادهای متولی و مدیران روستایی وجود دارد و با طراحی شاخص‌های مرتبط با هر هدف برنامه، به آسانی می‌توان میزان پیشرفت هر کدام را شناسایی کرد و در صورت محقق نشدن اهداف در فاصله زمانی مورد نظر، شناسایی عوامل کیفی ناشی از عدم توفیق توسعه پایدار به اصول آمایش می‌تواند موثر واقع شود..."

۴- عدم مدیریت یکپارچه و منسجم

مقوله عدم مدیریت یکپارچه و منسجم با واحدهای معنایی (عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها و متولیان امور توسعه در بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی، عدم استفاده از تجربه مدیران گذشته در اجرای اصول آمایش) مشخص گردیده شد. در این راستا، چند تن از متخصصان این گونه مطرح نمودند: "... در استان سیستان و بلوچستان، گاهی حرکت‌های جزیره‌ای، بدون هماهنگی با سایر سازمان‌ها و نهادها، با صرف انرژی، زمان، نیروی کار و... انجام می‌شود که ممکن است در گوشه دیگری، گروهی در حال انجام پروژه‌ها و یا مطالعات مشابه باشند. بنابراین اتخاذ رویکرد واحد بین مدیران روستایی و همبستگی بین سازمان‌ها و نهادهای متولی، می‌تواند از جمله عوامل توفیق در مسیر توسعه پایدار با تاکید بر اصول آمایش باشد..."

در ادامه نیز متخصصان دیگر مطرح نمودند:

"... رویکرد سیاسی و رویه سلیقه‌ای حاکم بر مدیریت روستایی پس از هر انتخاباتی و حذف اندیشه‌های مسلط بر مدیریت روستایی در یک دوره، از چالش‌های مرتبط با عدم پیروی توسعه پایدار از اصول آمایش است.

۵- ساختار تک ساخت سیاسی

ساختار سیاسی ایران یکی از موانع توزیع متوازن منابع بین مناطق مختلف کشور است. ناپایداری سیاسی و واگرایی قومی در دو دهه پایانی حکومت قاجاریه و رضاشاه، که حاصل سرکوب جریان‌های قومی به بهانه حفاظت از تمامیت اراضی ایران بود، باعث شکل‌گیری حکومت مدرن بر مبنای نظام سیاسی تک ساختی در ایران شد. شکل‌گیری نظام تک ساخت باعث ترویج دیدگاه‌های سیاسی امنیت محور، تمرکزگرا، پایتخت‌محور و قطب‌گرا شده است که خود زمینه ساز توسعه نامتوازن فضایی و در نتیجه نابسامانی آرایش فضایی-مکانی شهرها و روستاهای ایران شده است. در این راستا چند تن از متخصصان این گونه مطرح کرده‌اند:

"... ساختار نامتوازن در ایران و شهرهای سیستان باعث شده است که همواره سرمایه‌های اقتصادی و انسانی و... به مناطق پیرامونی کشور به سمت مراکز بزرگ و پایتخت در جریان باشد و باعث شکاف هر چه بیشتر بین این مناطق شود. این شکل از انتقال سبب از دست رفتن تعادل منطقه‌ای در سیستان می‌شود..."

در ادامه نیز متخصصان دیگر مطرح نمودند:

"... یکی از مهمترین مسائل و مشکلاتی که سیستان و شهرستان زابل همواره با اهداف برنامه‌های آمایش در کشور در تعارض بوده است، فشارهای سیاسی مقامات استانی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجیه اقتصادی و فنی و آمایشی است. فقدان طرح مصوب آمایش سرزمین به منزله سندی فرادست باعث

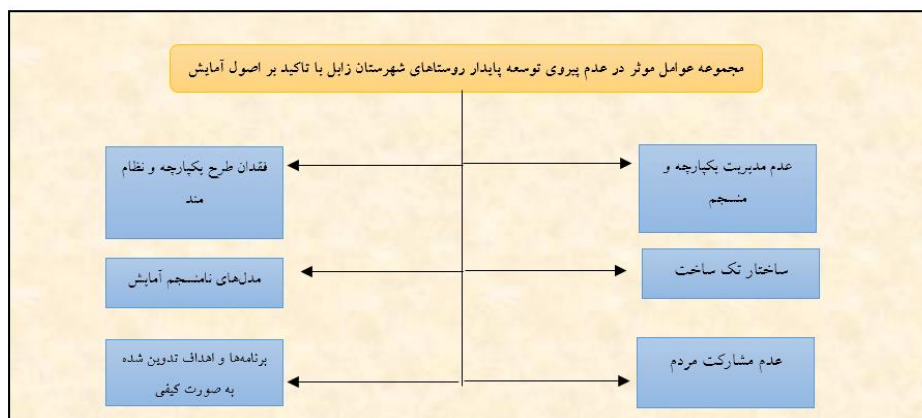
شده است که مقامات سیاسی، در سال‌های اخیر فشارهای بسیاری برای اجرای طرح‌های توسعه وارد نمایند. این فشارها در برخی موارد منجر به اجرای طرح‌هایی می‌شود که در شهرستان‌های سیستان توجیهی اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی ندارد و باعث هدر رفتن منابع و به هم خوردن تعادل‌های زیست محیطی و ... می‌گردد..."

۶- عدم مشارکت مردم

در نهایت از دیگر موانع موثر در پیروی توسعه پایدار شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین، عدم مشارکت مردم است. در این راستا چند تن از متخصصان این گونه اذعان نمودند:
 "... فقدان برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت‌های مردمی در راستای اعمال اصول آمایش سرزمین در توسعه پایدار..."

مدل تحلیلی مجموعه عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل با تاکید بر اصول آمایش سرزمین

مقولات به دست آمده در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، خط سیر داستانی از عوامل را نشان می‌دهد. در شکل شماره (۲)، مدل پارادایمیک مقولات عمده (۶) گانه را به تصویر کشیده شده است



شکل ۲. مدل پارادایمیک مجموعه عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای زابل با تاکید بر اصول آمایش سرزمین مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵- بحث و فرجام

روستاهای شهرستان زابل به عنوان محدوده مورد مطالعه در نظر گرفته شده و مجموعه عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین هدف اصلی این پژوهش بوده است.

از نتایج مصاحبه با افراد متخصص و کارشناس جهت شناخت مجموعه عوامل موثر در عدم پیروی توسعه پایدار روستاهای شهرستان زابل از اصول آمایش سرزمین با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، ۳۷ مفهوم و ۱۳ واحد معنایی و ۶ مقوله (فقدان طرح یکپارچه و نظام‌مند، مدل‌های نامنسجم آمایش سرزمین، برنامه‌ها و اهداف تدوین شده به صورت کیفی، عدم مدیریت یکپارچه و منسجم، ساختار تک ساخت سیاسی، عدم مشارکت مردم)، استخراج شد.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت تا زمانی که این موانع رفع نشود، هر برنامه توسعه پایدار دیگری نیز در نظر تدوین شود، در عمل به سرنوشت دیگر طرح‌های توسعه‌ای کشور دچار می‌شود و فقط در حد نگارش ایدئولوژیک برخی از اهداف باقی مانده و برون‌ده عملی آن باز هم توسعه نامتوازن

روستاهای شهرستان زابل خواهد بود. بنابراین مهمترین کار، دادن اختیارات اداری و برنامه‌ریزی به روستاهای شهرستان زابل و تمرکززدایی سیاسی در حوزه برنامه‌ریزی در کشور است. سخن پایانی این می‌باشد که آنچه مهم است، تحول در زمانی پایدار خواهد بود که محافظ محیط و مولد فرصت‌های نو باشد. این تحول نیازمند پیوندی ناگسستنی میان اکولوژی و اقتصاد از یک سو و ثبات، نظام و امنیت اجتماعی از سوی دیگر است. پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی، همچنین سبک زیست ساکنین محلی و بخش‌های مدیریتی و ... باید در تطابق با جریان درازمدت حفظ پایه‌های طبیعی زندگی باشد. توسعه پایدار روستایی، منعکس کننده توسعه اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و ... در سیستم کل است که طی آن، پیشرفت زندگی ساکنین در همه ابعاد، از تامین امنیت، محافظت از تنش‌های ناشی از ناموزونی توسعه، با ثبات نظام اقتصادی و ظرفیت خوداصلاحی نظام روستایی در زابل در راستای ایجاد شرایط برای دستیابی گروه‌های مختلف جامعه به فرصت‌ها و خدمات شهری متمایز و برابر و برای شکل‌گیری روستای توسعه پایدار با تاکید بر اصول آمایش سرزمین معطوف گردد.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های تیموری و همکاران (۱۳۹۵)، که نشان داد اکثر روستاهای بخش مرکزی شیراز با توجه به اصول آمایش سرزمین توسعه نیافته هستند و یو و همکاران (۲۰۰۹)، که نشان دادند همراه با توسعه شتابان شهرنشینی و توسعه صنعتی در چین قریب به اتفاق فضاهای روستایی به ویژه مناطق توسعه یافته روستایی از حیث کارکردها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با تنگناهای جدیدی مواجه شده‌اند و راه برون رفت از این تنگنا را ارتقای تعامل مثبت بین مناطق شهری و روستایی به عنوان یک چشم‌انداز در بررسی توزیع و پراکنش فضایی جمعیت روستایی بر اساس مدیریت برنامه‌ریزی هماهنگ و یکپارچه شهری و روستایی در منطقه مورد تحقیق دانسته‌اند، هم راستا می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادت ذیل ارئه می‌گردد:

- تدوین برنامه‌های بلندمدت توسعه و اتخاذ رویکرد واحد در این زمینه، در زمان مدیریت‌های مختلف روستایی می‌تواند روستا را به سمت توسعه پایدار و دستیابی به پایداری روستایی سوق دهد. در این راستا وجود نگرش بلند مدت و برنامه‌ریزی‌ها و پرهیز از اعمال سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت صرفاً با هدف ایجاد ذهنیت مثبت در ساکنان می‌تواند موثر واقع شود.
- شناخت محدودیت‌ها و توانهای اکولوژیک روستایی و ارزیابی آنها جهت دستیابی به توسعه پایدار
- اولویت دادن به جامعه روستایی برای حفاظت، بهره‌برداری و توسعه پایدار
- استقرار کامل نظام توسعه پایدار کمی و کیفی در حفظ و تداوم بهره‌برداری از منابع روستایی

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸). جامعه شناسی توسعه. انتشارات کیهان، تهران.
- پوراصغر، فرزام و ویسی، رضا (۱۳۹۰). آمایش سرزمین مبنایی برای توسعه صنعت گردشگری پایدار. اقتصاد مالی، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۱۸۴-۱۹۵.
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۰). آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، دوره ۴۸، شماره ۱۶۰، صص ۴۷۹-۱۹۰.
- توکلی، محمدرضا (۱۳۹۳). آمایش سرزمین و توسعه روستایی بخش مرکزی ناحیه الیگودرز. دوازدهمین کنگره انجمن جغرافیایی ایران با محوریت آمایش سرزمین، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، نجف آباد،
- تیموری، سمانه، شکور، علی و گندمکار، امیر (۱۳۹۵). سطح بندی سکونتگاه های روستایی بر اساس توان انسانی از



- دیدگاه آمایش سرزمین (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۹۳-۱۰۲.
- جعفریان، بابک، سرور، رحیم و برنا، رضا (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت آینده آمایش سرزمین استان تهران با رویکرد آینده پژوهی. نشریه جغرافیایی سرزمین، دوره ۱۶، شماره ۶۱، صص ۱۷-۳۶.
- زرقانی، هادی و اعظمی، هادی (۱۳۹۰). تحلیل ملاحظات نظامی-امنیتی در آمایش و مکان‌گزینی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی با تأکید بر استان خراسان رضوی. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۶۱.
- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی شهرهای جدید. چاپ دوازدهم. انتشارات سمت. تهران.
- سالنامه آماری استانداری سیستان و بلوچستان (۱۳۹۸). استانداری سیستان و بلوچستان
- سرور، رحیم (۱۳۹۴). جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین. انتشارات سمت. تهران.
- سند آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۸). استانداری سیستان و بلوچستان.
- شریف‌زادگان، محمدحسین و رضوی‌دهکردی، امیر (۱۳۸۹). ارزیابی فرآیند برنامه‌ریزی «آمایش سرزمین» در ایران و راهکارهای بهبود آن. علوم محیطی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۸۷-۱۰۰.
- شکور، علی و شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۱). نقش آفرینی کانون‌های شهری در ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی (مورد: شهر مصیری و روستاهای پیرامونی). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۷، شماره ۲۱، صص ۶۳-۷۷.
- فتحی نجفی، طاهره و لطیف نژادرودری، رباب (۱۳۹۵). مشاهده در رویکرد گراند تئوری: یک مطالعه مروری. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۲۹.
- ملک‌زاده، شاهرخ و گلچوبی دیوا، شهربانو (۱۳۹۷). مطالعه فرآیند توسعه کالبدی شهر و اثرات آن بر کیفیت محیط زیست شهری مطالعه موردی: شهر کردکوی. سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و طراحی شهری، تبریز.
- مومنی، مهدی، مبارکی، امید و جنابی، نرگس (۱۳۹۲). آمایش سرزمین و مدیریت توسعه فضایی (مورد مطالعه: شهرستان ملکان). مطالعات مدیریت شهری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۴۶-۵۶.
- مهدوی، مسعود و عزمی، آئیژ (۱۳۸۸). فضا، آمایش سرزمین و توسعه روستایی. جغرافیایی سرزمین، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۵-۴۲.
- طالشی، مصطفی و امیرفخریان، مصطفی (۱۳۹۱). کاربرد الگوهای کمی تحلیل فضایی جمعیت در آمایش سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: استان خراسان رضوی. پژوهش‌های روستایی، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۱۱۱-۱۳۴.
- میرزایی، حمیدرضا و کمری، سجاد (۱۳۹۰). جایگاه آمایش سرزمین در توسعه روستایی و نقش آن در تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور (مطالعه موردی استان خراسان شمالی). پژوهشنامه خراسان بزرگ، دوره ۱، شماره ۳، صص ۹۱-۱۰۷.
- میری، غلامرضا، نارویی، پروین، خمر، سونیا و نارویی، جهانبخش (۱۳۹۳). توسعه آمیختگی و اثرات زیستی بر توسعه روستای تمین. اولین کنگره ملی آمایش سرزمین در هزاره سوم با تأکید بر جنوب شرق کشور، زاهدان.
- وحیدی، پردخت (۱۳۷۳). آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸، صص ۷۵-۱۰۴.
- وحیدی‌برجی، گلдіس (۱۳۹۰). بررسی ابزارهای مدیریت سرزمین در سیستم برنامه‌ریزی فضایی کشور پرتغال. فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۴۴.
- یزدان‌پناه‌درو، کیومرث (۱۳۹۷). نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه: با تأکید بر نواحی خاص مرزی ساحلی جنوب ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۸، شماره ۳، صص ۷-۲۳.

- Heldak, M. (2010): Functional standardization of Rural Area of Dolnoslaskie vivodship, Bullent of Geography socio – Economic series, NO.13, PP 127-137.
- Isaksson, R. (2006). Total Quality Management for Sustainable Development Process-Based System Models. Business Process Management Journal, 12 (5), PP 632–645.
- Porta J., Paraper J., Doallo R., Rivera, F. F., Sante I., Crecente R. (2013). High performance genetic algorithm for land use planning. Computers. Environment and Urban Systems, Vol 37, PP 45-58.
- Thinh, N. X., Arlt, G, Heber, B, Hennersdorf, J, Lehmann, I, (2002). Evaluation of Urban Land-Use Structures with a View to Sustainable Development. Environmental Impact Assessment Review. 22 (5), PP 475–492.
- Yu, T, zhang, J,X, Sun, L,J. (2009): Research on Rural spatial Distribution in china Based on urban –Rural Integrated planning Management, Fourth Internation conference on computer sciences and convergence Information Technology seoul, korea, PP 269-299.
- Zabihi H., Ahmad, A., Vogeler, I., Nor Said, M., Golmohammadi, M., Golein, B. (2015). Suitability procedure for sustainable citrus planning using the application of the analytical network process approach and GIS. Computers and Electronics in Agriculture. Journal homepage. Vol 117, PP 114-126 .

